

ثالثه، غزیم

نامه مورخ ۳۰ اکتبر ۱۹۵۵ را در روز ۱۴ نوامبر ۱۹۵۵ دریافت کردم.

بیار میر، من را هم بجهت ولی میگویم تا بچه زودتر بران پاسخ گویم.

اولاً از لطف و تدبیر تو در باره "گوشات" ، بلکه بنامتکم و با تو مرا تم که
 وضع در اما تو تری - " این ژانر بزنج (طوری" به بیان تو، در ادبیات واضح
 خوبی نیست. گنج سینه تا سنج در زمینه ایران صالح است که صد فرادانی در آثار خاستان
 بر این عرصه داشتند و ای آنها قرار می ده، اگر من نوعی جز تو ام در این زمینه گاهی بر دادم نوعی
 سعادت است و اما این سخن تو که نوشتی " شریک با طبیعت زبان فارسی
 سازگار نیست " قابل تحسین است. بایر گفت که بخوان تو صحنه از داستان ذصلاحت
 مانند رنج از سینه بوسنی دوست است اما در کتاب و در گرامر است در است هم تفاوت
 ماکره اند. پاسخ من در این زمینه مورد در اذات من از سیم آنکه نامه به مقاله بل تو تم
 از این بوجه دیگر دانگداری کنم، همیشه عرض میکنم که در ادبیات پیش از اسلام و در زبان
 بلوی شریک با یک (مانند ای افکار زور بران) در دست آوردی، اشعار در مدح
 زردان و غیره) متداول بوده و مطلب بسیار نیست. در ادبیات فولکلوریک هم قرآن
 بیان بر خود کرد. انتخاب وزن هجایی از آن لحاظ بود که من از این شعر *déclama ble*
 و قابل تفریح و عین ای می شوم، علاوه بر آنکه لایحه بیان در آن وسیع است. هر است
 بایر با فرام که در بیانی و خوششایع از زبان عروضی عبارات سیرت است در سخن جایی
 تدریس است ولی من قرآن ^{آنجا} " فزادی" (که در واقع تکرار که است آن است) نیز بی نیاز بود
 به چیز دیگر دارد به بل کار برد این شود بخود خواندن آن. به صورت یکبار دیگر
 از سخن تو بوی آنزدی بر این تو سپاسگزارم.

۲- در مورد اشعار رسیده بر سه شعر لطیف در لنت من است. چرا فکری کنی که ^{شعری که}
 بیان گفته اند و تنهایی تا و آن سوزی است فقط بر الرجال انتم؟ آیا تنها خطاب
 (آقا مردی منی اهل است دارد؟) علم است که در این طور فکری کنی و بر این عواطف غنائی
 حال در خود آزاد شوقاً زیرا انما سیر تعظیم که واقفیت بزرگ زندگی انسانی است
 که پیوسته خرد با با صافی، زیبا با، نبردها و قداستها در جانی بر قرار می کند.
 لریزه آمد در در نهاد شاعر و با الفروض شاعر ایرانی است (آتم زن) آتم
 باجی! تک شوق ترا در " مردم" چاپ کردم. انان اشعارم یک یاد و تار از
 چاپ خواهم کرد. کتاب " زنده بود" اثر هوزر و سیددی من لخال را که بار
 حل کار ما از سانه ال ریم. قصارت خانت که در سطح عاطفی و هنر و است مید

